



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۸/۲۴



عبدالجليل جمیلی

دوست و برادر گرانقدرم جناب احسان جان لمر

قیل از همه از لطف دوستانه تان بمناسبت تبریکی روز تولدم صمیمانه تشکر میکنم و با توکل بخداوند انشاءالله روزی هم میرسد که من هم تمنیات نیک قلبی خودرا بهمین مناسبت خجسته بشما تقدیم کنم

واما - ۱: درمورد شاه محمد دوست !

درسال ۱۳۳۱ که خودم محصل صنف دوم پوهنچی حقوق و علوم سیاس پوهنتون کابل بودم، شاه محمد دوست سابق - پی سی بی خوانده پوهنتون کابل / به عین روشی که ببرک بعدا معروف به کارمل تعقیب کرده بود / به صنف اول فاکولته ما پذیرفته شده و در لیلیه فاکولته - آن وقت در حویلیگک جوار فاکولته (عقب زیارت شاه دوشمشیره علیه رحمه) با ببرک کارمل و جیلانی باختری پسر خاله ببرک و هادی قبلا صافی و بعدا مکمل یک جا بودند.

و ازینکه تکرار مکررات نشود بهمین قدر اکتفا کرده و قدمه دوم و مهم آنرا مینویسم که وقتیکه در سال ۱۳۳۴ ما فارغ شدیم و در احوال دولت استملاک ساحه جمال مینه را تکمیل کرده با نقشه بندی خاتوار آن بمردم فرصت دادند تا برای خرید یک نمبر زمین پنج بسوه ای در بدل ۶۰۰۰ افغانی و دراک نقشه و طی مراتب انرا در شاروالی کابل بنمایند و در ان ایام ببرک کارمل در زندان بود .

اما چهره اضافی و متممه این گروه لیلیه نشین ما را که نعمت الله بوده است فراموش نکنید / او برادر زاده و بعدا داماد جناب عبدالرحمن پژواک که در اوایل معروف تخلص میکردند و بعد پژواک شدند و اصلا محصل و در عین حال لیلیه نشین فاکولته ادبیات ولی شب زنده دار سه تگ مار !

بهر حال روز موعود با جیلانی باختری و هادی صافی و شاه محمد دوست / که هنوز فارغ نشده بود / به ساحه تقاطع سرک جمال مینه و لیسه غازی / که میدانید در طرف راست دواخانه مرحوم دوکتور نصرالله یوسفی بود / در راست داخل ساحه جمال مینه شدیم که در زاویه عقبی لیسه غازی برای اولین مرتبه داکتر حسن شریک را دیدم و با او آشنا شدم واما روش خودش و دیگران نشان داد که آنروز یکی از دید و باز دید همیشگی و خود دمانی شان بوده است معلوم شد که اومنیث یک رهنما و کمک کننده منتظر این دوستان خود بود ه !

یقین دارم بیاد شما خواهد بود که در پهلوی دوا خانه فوق الذکر خانه سید کمال خان قوماندان امنیه مزارشریف و در عقب آن یک جوی آب و خانه محمد اکبر خان و در مقابل او خانه معمور مکمل شده خود حسن شریک بود که آن را پماه ۳۰۰۰۰ افغانی بسفارت شوروی به کرایه داده بود و تا که یادم میاید آن خانه پر و خالی داشت و بعضا ماه ها بی صاحب ولی قرار داد و کرایه ماهوار برای کمک به نورچشمی ! قطع نمیشد // و همان لحظه مطلب دومی را درک کردم که این جوانان لیلیه نشین ما از کجا و بوسیله کی خرج منظم ودکای روس ارتباطات زیر بوریایی خود را جیبیره میکردند. !

واینکه شما در مورد شناخت چهره اصلی و مرموز ملایم شاه محمد دوست را برای کدرهای عالی و مقامات خوش باور ما رنگ دیگری تبارز میدهد **همین است که از ماست و بر ماست** و روزیکه **این چنده پوش** بر کرسی وزارت خارجه شهید اعتمادی - منیث نزدیک ترین و صادق ترین و پرکار ترین همکار و بازوی راز های پنهان داود شهید !!!، تکیه زده بود، ولی روز گاری هم مستولی شد که خود آنها در زیر پنجه های انبوس

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

مانند نواب گاویش معاون رییس عمومی زندان پل چرخي خفه شده ...و برای ابد چشم از زندگی پوشیدند و آیا هنوز هم خوش باورانه به پاکی همچو پوپتها قضاوت کرده باشند؟؟

محترم میگویم بلی! زیرا آن جناب سراپا شرافت و صداقت و بد بختانه خوش باور را بسیار از نزدیک و خوب میشناختم که افغان بودن و نوراحمد اعتمادی شدن سراپا پاکی و شرافت کار آسان نبوده و نیست مگر :
دوست عزیزم امروز هم از رنگ دولتداریها ! پند گرفته ایم و میگیریم ؟

۲- اما در قسمت شهید محمد هاشم میوندوال زیاد نوشته نمی توانم زیرا هیچ وقت با ایشان کار نکرده ام و در سه چهارمجلس شخصیی که در ایام نور مال با ایشان دیده و هم مجلس بوده ام انسان بسیار با دانش و حلیم و سخنگوی و مبصر خوب بودند.

دوست محترم آقای محمد عزیز ودان / فعلا مقیم استرالیا / که در دور سفارت شان در واشنگتن سکرتر دوم بودند می گفتند که برای ایراد بیانیه های بزرگی از قبل اما دگی خوب گرفته بیانیه شانرا- بهر لسانی میبوده - بصورت مقدماتی تهیه کرده و انرا در اقامتگاه خود بصورت مکرر و با صدای بلند کنفرانسی تکرار میکردند تا اینکه در مجلسی بدون کاغذ گفتار شانرا پیش ببرند و درین راه همیشه موفق بوده اند که خداوند روح شانرا خوشنود داشته باشد .

شما میدانید که در دور ریاست نشراتی روز نامه ملی انیس منحیث همکار نزدیک مطبوعاتی و همنوای محمد داود خان تخلص پردیس داشتند ولی با سفری به پاکستان و طعنه های پردیسی / مهاجری ! / با بازگشت بکابل رسما تخلص میوند وال بودن خودرا اعلان کردند.

با تجدید سلام بشما